

بررسی وجوه معنایی ماده «کتب» در قرآن بر اساس کتب وجوه و نظائر

(تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۲۹)

مریم محمدیاری*
اعظم فرجامی**
مجتبی بیگلری***

سال دوم
شماره یکم
پیاپی: ۳
پاییز و زمستان
۱۳۹۷

چکیده

واژه «کتب» و مشتقات ماده «کتب»، سیصد و نوزده مرتبه در کل قرآن به کار رفته است که نشان از اهمیت این واژه قرآنی در فهم آیات قرآن دارد. بیش از همه مشتق «کتاب» در قرآن به کار رفته که نویسندگان وجوه و نظائر برای آن «بیست و پنج» وجه برشمرده‌اند. همچنین برخی از آنان واژه «کتب» را ذو وجوه می‌دانند و «پنج» وجه برای آن قائل شده‌اند که با وجوه معنایی «کتاب» یکسان یا مشابه است. امر کردن، قضاء، واجب کردن، روشنگری، علم، حفظ کردن، نوشتن، نامه‌نگاری، نوشته‌های ملائک، مجموع نوشته‌ها، اعمال بنی آدم، حسابرسی، قرار دادن، لوح محفوظ، قرآن، انجیل، تورات، زبور، صحف، کتاب سلیمان و بلقیس، کتاب، همه نوشته‌ها، وقت و زمان مشخص، بیست و پنج وجه معنایی واژه «کتب» هستند که در شش کتاب وجوه و نظائر، ذکر شده است. در ازدیاد وجوه معنایی کتاب، تکلف شده و بسیاری از آن‌ها مانند کتاب‌های پیامبران گذشته مصادیق مختلف وجه کلی «الکتاب بعینها» هستند. پس از بررسی تک تک آیاتی که نویسندگان وجوه و نظائر برای نظائر هر وجه ذکر کرده‌اند و مراجعه به تفاسیر، می‌توان نتیجه گرفت که کتاب از جمله واژگان چندمعنایی در قرآن با «ده وجه» کلی است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: کتب، تفسیر لغوی، وجوه و نظائر، چندمعنایی در قرآن.

* دانشجوی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی maryam.mohammadyari.71@gmail.com
** استادیار گروه الهیات، دانشکده ادبیات، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول) azamfarjami@yahoo.com
*** استادیار گروه الهیات، دانشکده ادبیات، دانشگاه رازی m.b1339@gmail.com

۱- مقدمه

واژگان چندمعنایی در قرآن معمولاً در علم و جوه و نظائر معرفی و سنجیده می‌شوند. تفسیر واژگان قرآن برای پیدا کردن مراد خداوند از کاربرد هر واژه، در آیات قرآن لازم و ضروری است. از قرون ابتدایی درباره دانش واژگان قرآنی، کتاب نوشته شده است؛ نخستین کتاب موجود، یعنی الاشباه و النظائر را مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ ق)، نگاشته است. معمولاً در این کتاب‌ها، واژگانی که با چندین معنا در قرآن به کار می‌روند، بر شمرده می‌شوند، و جوه معانی متعدد و نظائر آیات نظیر هم برای هر وجه معنایی است (شیشه‌چی، ۱۳۹۴: ۱۰۵).

درباره برخی کلمات و جوه و نظائر در قرآن و واژگان چندمعنایی پژوهش‌هایی انجام شده است. احمد پاکتچی و دیگران چندمعنایی واژه «نذر» را کار کرده‌اند (پاکتچی، ۱۳۹۷: شماره ۱۳)؛ لینا سادات حسینی و دیگران چندمعنایی واژه «روح» را بر اساس ترجمه‌های قرآن، در شکل مقاله‌ای به چاپ رسانده‌اند (حسینی، ۱۳۹۴: شماره ۳).

درباره واژه «کتاب» در قرآن نیز مقالاتی با نگاهی متفاوت از پژوهش حاضر سامان یافته است. غلام محمد شریعتی در مقاله «معناشناسی در زمانی واژه کتاب در قرآن» بر اساس روش تحلیل گذر زمان، تغییرات تاریخی معنای کتاب را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که واژه «کتاب» در قرآن توسعه معنایی یافته است (شریعتی، ۱۳۹۰: سال سوم، شماره ۷). لطفی و میر سعیدی نیز در مقاله «معناشناسی واژه کتاب در قرآن بر پایه روابط همنشینی» نیز از این جهت که کتاب در قرآن با چه واژگانی هم‌نشین است، به تحلیل معنایی آن پرداخته‌اند (لطفی، ۱۳۹۴: شماره ۸).

با این همه در پژوهش حاضر از جنبه چندمعنایی واژه «کتاب» در آیات قرآن پرداخته می‌شود که بر اساس شش کتاب و جوه و نظائر، الاشباه و النظائر فی القرآن الکریم/ مقاتل بن سلیمان (۱۵۰ ق)، الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم/ هارون بن موسی (۱۷۰ ق)، وجوه القرآن/ حیری نیشابوری (۴۳۱ ق)، الوجوه و النظائر لألفاظ کتاب الله العزیز/ دامغانی (۴۷۸ ق)، وجوه القرآن/ تغلیسی (۵۵۸ ق) و کتاب نزهة الأعیین النواظر فی علم الوجوه و النظائر/ ابن جوزی (۵۹۷ ق)، وجوه ذکر شده بررسی می‌شود. این نویسندگان در مجموع بیست و پنج وجه برای «کتاب» بر شمرده‌اند. یافتن معنای اصلی واژه «کتاب» و توضیح ارتباط معنایی، توضیح ارتباط معنایی فرعی با معنای اصلی و بررسی تفصیلی و کامل وجوه معنایی واژه «کتاب» در قرآن و تطبیق با دیدگاه‌های مفسران هدف اصلی این پژوهش است. این در حالی است که در پژوهش‌های پیشین هیچ‌یک به چندمعنایی و «کتاب» و جوه و نظائر توجه چندانی نداشته‌اند.

۲- کاربرد لغوی ماده کتب

لغت شناسان برای «کتب» معانی متفاوتی را ذکر کرده‌اند: «حُرِّزَ الشَّيْءُ بِسَبِيْرٍ»^۱، «النَّاقَةُ

إِذَا ظَنَرْتَ عَلَيَّ وَلَدٌ غَيْرَهَا»^۲ «مَجْمُوعًا»، «فَرَضَ وَ حَكَمَ وَ قَدَرَ»، «خَطُّهُ»، «مَا أَتَبَتَ عَلَيَّ بَنِي آدَمَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ»، «مُصْحَف» ... (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۴۱/۵؛ ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۲۵۵/۱؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۸۸/۱۰؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۲۰۸/۱؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۱۵۸/۵؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱: ۷۶۶۶-۷۷۸).

در بین معانی ارائه‌شده به نظر می‌رسد عبارت «خرز الشیء بسیر» معنای اصلی واژه «کتب» است. ابن‌فارس «کَتَبَ» را اصل صحیح واحد می‌داند و همین وجه معنایی را برای آن می‌آورد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۱۵۸/۵). از این عبارت، مفهوم دوختن و پینه کردن به ذهن می‌رسد. ارتباط این معنا را با دیگر معانی می‌توان چنین توضیح داد: محبت کردن انسان یا حیوان به شخص دیگر، باعث ایجاد محبت است که این محبت و ارتباط، موجب نوعی وصل شدن عاطفی است. بر این اساس می‌توان عبارت «النافقة اذا ظنرت علی ولد غیرها» را به معنای مادی و اصلی ربط داد.

«مجموعاً» شامل اشیاء یا افرادی است که به نوع یا طریقی به یکدیگر متصل‌اند. راغب اصفهانی مصدر «فرض» و «حکم» و... را این‌گونه تعبیر کرده است: مصدرهای اثبات، تقدیر، ایجاب، فرض و... نیز به «کِتَابَةُ» تعبیر می‌شوند. به این ترتیب که چیزی اراده می‌شود، سپس گفته می‌شود و بعد از آن نوشته می‌شود. پس «اراده» آغاز و مبدأ نوشتن است و کتابه به معنای «نوشتن»، پایان آن اراده است؛ بنابراین تعبیر نوشتن یا کتابت پایان مراد و هدفی است که انجام آن تأکید شد و در آغاز اراده شد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۹).

«خُرْزَةُ» به معنای دوختن، ارتباطش با معنای اصلی که وصل کردن بود، مشخص است. هر آنچه از عمل انسان نوشته و ثبت می‌شود به صورت نامه یا کتابی در کنار یکدیگر قرار دارد. «مصحف» آن چیزی است که جمع‌کننده و دربرگیرنده کلمه‌ها و نوشته‌هاست (راغب اصفهانی، همان: ۴۷۶). با توجه به توضیحات ارائه‌شده، ارتباط این معانی، برای واژه کتب مشخص است.

۳- وجوه معنایی ماده کتب

«کتب» از جمله واژگانی است که هر شش محقق وجوه و نظائر، آن را از واژگان دارای وجه برشمرده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۲۰۰۶: ۶۲ و ۶۳؛ هارون بن موسی، ۱۹۸۸: ۷۲ و ۷۳؛ حیری، ۱۴۳۲: ۴۷۹-۴۸۱، ۴۸۹-۴۹۱؛ دامغانی، ۱۹۸۳: ۳۹۹-۴۰۱؛ تفرسی، ۱۳۷۱: ۲۴۷ و ۲۴۸؛ ابن‌جوزی، ۱۹۸۷: ۵۱۴ و ۵۱۵، ۵۲۵-۵۲۷).

در دسته‌بندی این واژه بی‌نظمی‌هایی مشاهده می‌شود. برای مثال حیری واژه «کتاب» و «کتابه» را دو وجه مختلف برشمرد. در جدول زیر هر دو را در جدول «کتاب» ولی در دو ستون متفاوت نمایش داده‌ایم. ابن‌جوزی نیز «کتب» و «کتاب» را دو وجه مختلف عنوان کرده است. برای واضح شدن مطلب، کتب و کتاب را در دو جدول مختلف نمایش داده‌ایم.

✱ وجوه کتب

وجه نام	مقاتل	هارون	دامغانی	ابن جوزی
۱. الأمر	✓	✓	✓	✓
۲. الجعل	✓	✓	✓	✓
۳. الحفظ				✓
۴. الفرض	✓	✓	✓	✓
۵. القضاء	✓	✓	✓	✓

✱ وجوه کتاب

وجه نام	حبری (کتاب)	حبری (کتابه)	دامغانی	تفلیسی	ابن جوزی
۱. الأعمال بنی آدم (ع)			✓		✓
۲. الأمر		✓		✓	
۳. الإنجیل	✓		✓		✓
۴. الإیجاب فی الوجوب		✓			
۵. التبین		✓			
۶. التوراة	✓		✓		✓
۷. الجعل		✓		✓	
۸. الحساب			✓		✓
۹. الحفظ		✓			
۱۰. دیوان الحفظه	✓	✓			
۱۱. الزبور	✓				
۱۲. الصحف	✓				
۱۳. العدة	✓		✓		✓
۱۴. العلم					✓
۱۵. الفرض		✓	✓	✓	✓
۱۶. القرآن	✓		✓		✓
۱۷. القضاء	✓	✓		✓	
۱۸. الكتاب بعینها		✓			
۱۹. کتاب سلیمان و بلقیس	✓				

✓		✓		✓	۲۰. الكتابة
			✓		۲۱. كتابة الملائكة
				✓	۲۲. الكتب كلها
✓	✓	✓		✓	۲۳. اللوح المحفوظ
				✓	۲۴. المكاتبة
✓		✓			۲۵. الوقت

در ظاهر دلیل خاصی برای دسته‌بندی حیری در دو واژه «کتاب» و «کتابه» پیدا نشده است. همانطور که در جدول‌ها پیداست تمام وجوه گفته‌شده برای واژه «کتب»، در وجوه گفته‌شده برای واژه «کتاب» وجود دارد؛ بنابراین بهتر است که واژه «کتب» و «کتاب» در یک ستون ذکر شود.

ارتباط بین وجوه ارائه‌شده و معنای اصلی واژه «کتب» را که عبارت «خرز الشیء بسیر» است، می‌توان چنین توضیح داد: اعمال بنی آدم، ممکن است از دو جهت بامعنای اصلی در ارتباط باشد، اول از آن جهت که اعمال انسان توسط ملائکه ثبت و ضبط می‌گردد و به صورت نوشته‌هایی متصل به یکدیگرند؛ در این صورت وجه «کتاب الملائکه» با وجه «اعمال بنی آدم» مرتبط است. دوم اینکه، اعمال انسان به نحوی با یکدیگر در ارتباطند و به یکدیگر متصل‌اند. مثال واضح آن دروغ گفتن است؛ گفتن یک دروغ به ناچار انسان را به گفتن دروغ‌های بعدی وادار می‌کند، یا اینکه هر عملی که از انسان سر بزند ممکن است نتیجه اعمال قبلی‌اش باشد. پس اعمال سرزده از انسان‌ها با اعمال قبلی‌شان در ارتباط است. در این صورت وجه «امر» - اگر به معنای کار و عمل گرفته شود- و وجه «عمل» با اعمال بنی آدم مرتبط است.

وجه بعدی واژه «امر» است که به دو شکل می‌توان آن را به «کتاب» مرتبط کرد. اول اینکه اگر معنای دستور دادن از «امر» گرفته شود بامعنای اصلی چنین در ارتباط است که امر بر انجام عمل، عمل شدن به امر خواسته‌شده را در پی دارد و این دو مطلب به یکدیگر متصل‌اند. در این صورت وجه «ایجاب فی الوجوب» به وجه «امر» بازمی‌گردد. امر به انجام کار، اگر از طرف خداوند یا ولی او بر شخص یا اشخاصی صورت گیرد، عمل به آن واجب است. این وجوب همان «فرض» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۹). فرض از جوهی است که هر شش محقق آن را وجه واژه کتاب ذکر کرده‌اند. دوم اینکه چون معمولاً دستورات و امر نوشته می‌شود و با کتابت واجب الطاعة می‌گردد، پس امر از لوازم معنایی کتابت است، زیرا امر را با کتابت حتمی و واجب می‌کردند تا لازم الاجرا شود.

«قضاء»^۳ و قدر، در آیات بسیاری به عنوان از پیش نوشته‌شده در لوح محفوظ یا کتاب

معرفی شده است. «تبیین» و روشنگری نیز همواره با نگاشتن و کتابت همراه بوده است. وجوه «انجیل»، «تورات»، «دیوان»،^۴ «حفظه»، «زبور»، «صحف»، «قرآن»، «کتاب»، «کتاب سلیمان»، «کتابه»، «کتاب ملائکه»، «کتب کلها»، «لوح محفوظ» و «مکاتبه» همگی با یکدیگر مرتبط‌اند. به این دلیل که مراد از همه آن‌ها، مجموعه‌هایی پیوسته از نوشته‌ها هستند که در کنار هم قرار دارند.

«حساب» همان حسابرسی و رسیدگی به امور است که معمولاً با کتابت همراه است. وجه «حفظ» به معنای حفظ و نگهداری، از این جهت بامعنای اصلی در ارتباط است که مجموعه‌ای از اطلاعات، مدارک و... درباره موضوعی، در حافظه یا محلی نگهداری و ضبط می‌گردد. اگر این اطلاعات در مورد موضوعات، در حافظه شخص نگهداری شود به آن علم به موضوع گویند. «علم» وجهی است که دامغانی برای واژه کتاب ذکر کرد. «عده» و «وقت» به مدت زمانی که باید برای مواردی خاص طی شود، بامعنای اصلی ارتباط دارد.

در بین بیست‌وپنج وجهی که برای واژه کتاب ذکر شد، وجه «جعل» در ظاهر بامعنای کتاب مرتبط نیست. در بخش کاربرد قرآنی این مطلب توضیح داده می‌شود.

۴- کاربرد قرآنی ماده کتب

ریشه «کتب» و مشتقات فعلی و اسمی آن، سیصد و نوزده مرتبه در کل قرآن به‌کاررفته است (عبدالباقی، ۱۳۸۹: ۷۶۰-۷۶۴).

واژه	اُکْتَبَ	تَكْتُبُ	کَاتَبَ	کَتَبَ	کُتِبَ	مَكْتُوبٌ	يَكْتُبُ
تکرار	۶	۳	۷	۲۵۵	۱۹	۱	۹

در این بخش وجوه کتب در قرآن و نظر مفسران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۱. کتب آسمانی

در این بخش به بررسی آیاتی که نویسندگان وجوه و نظائر به ترتیب برای وجوه انجیل، تورات، زبور و قرآن ذکر کردند، پرداخته‌ایم.

«انجیل» وجهی است که حیری، دامغانی و ابن جوزی برای واژه «کتاب» ذکر کرده و به آیات «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل عمران/۶۴) و «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم/۳۰) اشاره داشته‌اند (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۱؛ دامغانی، ۱۹۸۳: ۴۰۱؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۲۷).

اکثر مفسران وجه «انجیل» را تأیید و منظور از اهل کتاب را «نصاری» گفته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۵۲/۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۷/۱۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۸۳/۵). برخی نیز «اهل الکتابین» را تفسیر کتاب در آیه شصت و چهار سوره آل عمران دانسته‌اند (طوسی، بی تا:

۴۹۰/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۳۷۱).

حیری، دامغانی و ابن جوزی وجه «توراه» را برای واژه «کتاب» ذکر کرده‌اند و آیات «وَ إِذْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (البقره/۵۳/۲)، «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ» (المائده/۱۵۰/۵) و «وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَآخْتَلَفَ فِيهِ» (هود/۱۱۰/۱۱) را برای آن مثال آورده‌اند (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۰؛ دامغانی، ۱۹۸۳: ۴۰۱؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۲۷).

مفسران واژه «کتاب» در آیه پنجاه‌وسه سوره البقره و صد و ده هود را به معنای «توراه» تفسیر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲/۷۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲/۴۳۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳/۵۱۴)؛ اما واژه «کتاب» در آیه پانزدهم سوره المائده را که تنها ابن جوزی به آن اشاره کرده است، «قرآن» گفته‌اند (سمرقندی، بی تا: ۱/۳۷۸؛ طوسی، بی تا: ۳/۴۷۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲/۲۳).

وجه «زبور» را تنها حیری برای «کتاب» ذکر کرده و آیه «فَقَدْ ءَاتَيْنَا ءَالَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ ءَاتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (النساء/۴/۵۴) را مثال آورده است (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۱). مفسران، «الکتاب» را در این آیه چنین تفسیر کردند: «التوراه و الإنجیل» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱/۲۶۳)، «التوراه و الإنجیل و الزبور» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۵۶)، «التوراه و الإنجیل و القرآن» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۷/۱۱۹). بنا بر آنچه گفته شده، چنین برمی آید که هیچ یک از تفاسیر بامعنای اصلی واژه «کتاب» در تضاد نیست؛ اما هیچ کدام به تنهایی، نظر حیری را تأیید نکرده‌اند.

«قرآن» وجهی است که حیری، دامغانی و ابن جوزی آن را یکی از وجوه واژه «کتاب» ذکر کرده‌اند و به آیات «ذَالِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (البقره/۲/۲)، «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا ءَايَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص/۲۹/۳۸) و «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ» (فصلت/۴۱/۴۱) اشاره می‌کنند (حیری، ۱۴۳۲: ۴۷۹؛ دامغانی، ۱۹۸۳: ۴۰۱؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۲۷). مفسران نیز «کتاب» در آیات فوق را، «قرآن» گفته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴/۳۶۲؛ ابن عاشور، بی تا: ۲۳/۱۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۴۴).

۴-۲. دیگر وجوه

وجه «أعمال بنی آدم» را دامغانی و به‌طور مشابه، وجه «عمل» را ابن جوزی، برای واژه «کتاب» در آیات «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سَجِّينَ» (المطففين/۷/۸۳) و «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيَّينَ» (المطففين/۱۸/۸۳) آورده‌اند (دامغانی، ۱۹۸۳: ۴۰۱؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۲۶). مفسران نیز این وجه را تأیید کرده‌اند (طوسی، بی تا: ۱۰/۲۹۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۷۲۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵/۲۹۹).

هر شش محقق وجوه و نظائر وجه «امر» را برای «کتاب» ذکر و همگی تنها به آیه «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» (المائده/۲۱/۵) اشاره کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۲۰۰۶: ۶۳؛ هارون بن موسی، ۱۹۸۸: ۷۳؛ حیری، ۱۴۳۲: ۴۹۰؛ دامغانی، ۱۹۸۳: ۴۰۰؛ تغلیسی،

۱۳۷۱: ۲۴۷؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۱۴).

برخی مفسران این وجه را تأیید کرده‌اند و «کتب» را «امرکم بدخولها» تفسیر کرده‌اند (سمرقندی، بی تا: ۳۸۱/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۷۰/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۸۸/۵)؛ اما بیشتر تفاسیر، کتب را به معنای «خط فی اللوح المحفوظ» گفته‌اند (طوسی، بی تا: ۴۸۳/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۲۱/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۶۲۰). هر دو تفسیر می‌تواند صحیح باشد؛ از این جهت که هر امر و اتفاقی که مقرر شده، همگی در لوح محفوظ قرار دارد پس امر در آیه نیز، قطعا در لوح محفوظ است.

- حیرری وجه «ایجاب فی الوجوب» را برای واژه «کتابه» ذکر کرده و چهار آیه «مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ» (المائدة/۳۲)، «وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ» (المائدة/۴۵)، «فَسَأَلْنَاهَا لَلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَّ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَّ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ» (الأعراف/۱۵۶/۷) و «مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ» (الحديد/۲۷/۵۷) را برای آن مثال آورده است (حیرری، ۱۴۳۲: ۴۹۰).

مفسران با تعبیری مانند: «قضینا»، «فرضنا»، «أوجب»، «کتب» و... به تفسیر واژه کتب در آیات فوق پرداخته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۷/۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۹/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۸۷/۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷۳/۱۹). به نظر می‌رسد وجه «ایجاب فی الوجوب» و «امر» به یکدیگر برمی‌گردند و می‌توان هر دو را یک وجه برشمرد.

- «تبین» وجهی است که حیرری برای واژه «کتابه» آورده و تنها آیه صد و پنج سوره الأنبياء را برای آن مثال زده است (حیرری، ۱۴۳۲: ۴۹۱). «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (الأنبياء/۲۱/۱۰۵). تفاسیر مختلف، «کتب» در آیه فوق را تفسیر نکرده‌اند یا از تعبیر «هو مکتوب» استفاده کرده‌اند (سمرقندی، بی تا: ۴۴۵/۲؛ میدی، ۱۳۷۱: ۳۱۸/۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۴۰/۴). تبیین به معنای «توضیح دادن و واضح شدن»، هم می‌تواند به صورت گفتاری انجام گیرد هم نوشتاری و مکتوب. مراد از «کتب» در این آیه، شکل مکتوب آن است که توسط مفسران نیز تأیید می‌شود. به نظر می‌رسد وجه «تبین» را می‌توان به وجه «کتابه» برگرداند و هر دو را یک وجه شمرد.

- هر شش محقق و جوه و نظائر، در چهار آیه «فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران/۵۳)، «فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (المائدة/۸۳/۵)، «فَسَأَلْنَاهَا لَلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَّ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (الأعراف/۱۵۶/۷) و «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَّ أَيْدِهِمُ بَرُوحَ مَنَّهُ» (المجادلة/۲۲/۵۸) واژه «جعل» را وجه واژه «کتب» قرار داده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۲۰۰۶: ۶۲؛ هارون بن موسی، ۱۹۸۸: ۷۳؛ حیرری، ۱۴۳۲: ۴۹۰؛ دامغانی، ۱۹۸۳: ۴۰۰؛ تفلیسی، ۱۳۷۱: ۲۴۷؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۱۴). مفسران نیز این نظر را تأیید و «کتب» در آیات فوق را با لفظ «جعل و ثبت» تفسیر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۵۸/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۵۸/۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۷۲/۵؛ صادقی تهرانی،

سال دوم

شماره یکم

پیاپی: ۳

پاییز و زمستان

۱۳۹۷

۱۳۶۴: ۲۲۲/۲۸). به نظر می‌رسد که اگر منظور از «جعل»، قرار دادن و ثبت کردن باشد، ارتباط با معنای اصلی حفظ می‌شود.

- دامغانی و ابن جوزی «حساب» را یکی از وجه‌های «کتاب» معرفی کرده‌اند و هر دو تنها به آیه «كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (الجاثیه/۲۸/۴۵) اشاره می‌کنند (دامغانی، ۱۹۸۳: ۴۰۰؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۲۶). «صحائف اعمالها» تفسیری است که مفسران برای واژه «کتاب» در این آیه ذکر کرده‌اند (طوسی، بی تا: ۲۶۱/۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۹۲/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶۸۰/۲۷). با توجه به نظر مفسران و اینکه منظور از «حساب» مجموعه اعمال انسان‌هاست، مشخص می‌شود که واژه حساب با صحف در ارتباط است و این معنا به معنای اصلی بازمی‌گردد.

- حیری و ابن جوزی، وجه «حفظ» در آیات «سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلُ ذُو قُوَّةٍ عَذَابَ الْحَرِيقِ» (آل عمران/۱۸۱/۳) و «وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ» (النساء/۸۱/۴) را برای واژه «کتاب» آورده‌اند (حیری، ۱۴۳۲: ۴۹۰؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۱۵). «بسته فی صحائفهم» نیز تفسیر مفسران برای واژه کتب است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۶۷/۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۷۳/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۸۹/۳). به نظر می‌رسد وجه «حفظ»، با وجه «الأعمال بنی آدم» ارتباط دارد؛ به این دلیل که اعمال انسان، توسط ملائکه حفظ و ثبت می‌شود.

- «دیوان الحفظه» وجهی است که رسی می‌کنیم. ایت همراه بوده است. حفظ یا کتاب معرفی شده است. تنها حیری به آن اشاره کرده و چهار آیه «إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا نَمَكُرُونَ» (یونس/۲۱/۱۰)، «وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (المومنون/۶۲/۲۳)، «أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَ رُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ» (الزخرف/۸۰/۴۳) و «هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (الجاثیه/۲۹/۴۵) را برای آن مثال آورده است. در آیه بیست و یک سوره یونس و هشتاد سوره الزخرف، «کتابه الملائکه فی دیوان الحفظه» وجه واژه «کتابه» و «دیوان الحفظه» را وجه واژه «کتاب» در آیه شصت و دو سوره المومنون و بیست و نهم الجاثیه، ذکر کرده است (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۱ و ۴۹۱).

«إِنْ حَفِظْتُمَا الَّذِينَ نرسلهم إِلَيْك» و «الکتاب الذی فیہ اعمال العباد مکتوبه من الطاعه و المعصیه تکتبه علیه الملائکه» تفاسیری است که مفسران برای آیات فوق ارائه کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۷۰/۱۱؛ طوسی، بی تا: ۳۷۹/۷؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ۸۵/۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۶۸۱/۲۷). به نظر می‌رسد که وجه «حفظ» که توسط ابن جوزی مطرح شده، برگرفته از وجه «دیوان الحفظه» است که حیری به آن اشاره دارد و هر دو، یک وجه محسوب می‌شود.

- «صحف» وجه انتخابی حیری، برای واژه «کتاب» در آیات «أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحُكْمَ وَ النَّبُوَّةَ» (الأنعام/۸۹/۶) و «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ

لَيُقَوْمَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ» (الحديد/۵۷/۲۵) است (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۰). «صحف إبراهيم، موسی، زبور و... علیهم أجمعین» تفسیری است که مفسران برای واژه کتاب در آیات فوق ارائه کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷۴/۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۳۱۸/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴/۱۸۸). بهتر است وجوه «إنجیل»، «توراه»، «زبور» و «قرآن» زیرمجموعه وجه عام «صحف» قرار گیرد.

- حیری، دامغانی و ابن جوزی، وجه «عده» را برای واژه «کتاب» در آیه «وَلَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النَّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ» (البقره/۲/۲۳۵) ذکر کرده‌اند (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۰؛ دامغانی، ۱۹۸۳: ۴۰۰؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۲۶). تفاسیر نیز «عدتها» را تفسیر این واژه گفته‌اند (سمرقندی، بی تا: ۵۵/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۱/۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۴/۲). صادقی تهرانی، دلیل آن را چنین توضیح می‌دهد: «التعبیر عن مدة العدة بالكتاب، تأکید لفرضها بأنها مكتوبة علی النساء» (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۱۰/۴).

- ابن جوزی، «کتاب» را در آیه «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْبَعْثِ» (الروم/۵۶/۳۰) «علم» گفته است (ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۲۷). سمرقندی نیز، «کتاب الله» را به طور خاص «علم» تفسیر کرده است (سمرقندی، بی تا: ۱۹/۳). اکثر مفسران «کتاب» را «لوح المحفوظ» گفته‌اند (طوسی، بی تا: ۲۶۶/۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۸۷/۸؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۴۷۲/۷). برخی «فی کتاب الله» را چنین تفسیر کرده‌اند: «أی فی علمه و قضائه أو ما کتبه و عینه سبحانه أو اللوح المحفوظ أو القرآن» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۸۷/۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۹/۱۱).

به نظر می‌رسد لوح محفوظ، تفسیر بهتری برای واژه «کتاب» است؛ به این دلیل که معمولاً در لوح محفوظ هر آنچه از قضا و قدر و ایجاد و تکوین در عالم است، قرار دارد. «اللوح المحفوظ هو السجل الجامع لكل ما قضی الله و قدر و کل ما کان و ما یکون من عوالم الإیجاد و التکوین و هذا من مظاهر قدرة الله و عظمته و علمه و إرادته و حکمته و واسع سلطانه و قدرته» (رافت سعید، ۱۴۲۲: ۳۷).

- «فرض» از وجوهی است که هر شش محقق وجوه و نظائر آن را وجه واژه «کتب» ذکر کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۲۰۰۶: ۶۲؛ هارون بن موسی، ۱۹۸۸: ۷۲؛ حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۹؛ دامغانی، ۱۹۸۳: ۳۹۹؛ تفسیری، ۱۳۷۱: ۲۴۸؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۱۵). این وجه در آیات «يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (البقره/۲/۱۸۳)، «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ» (البقره/۲/۲۱۶)، «كِتَابِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» (النساء/۴/۲۴)، «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (النساء/۴/۱۰۳) نظیر هم قرار گرفته‌اند. مفسران کتب و کتاب در آیات فوق را «فرض» تفسیر کرده‌اند (طوسی، بی تا: ۱۱۴/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۴۹/۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۶۹/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۶۵/۲).

- وجه «قضاء» به معنای مقرر کردن از لحاظ معنای به وجه «فرض» نزدیک است. تمام

نویسندگان وجوه و نظائر، قضاء را وجه واژه «کتاب» ذکر کرده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۲۰۰۶: ۶۲؛ هارون بن موسی، ۱۹۸۸: ۷۲؛ حیری، ۱۴۳۲: ۴۹۰؛ دامغانی، ۱۹۸۳: ۳۹۹؛ تفسیلی، ۱۳۷۱: ۲۴۸؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۱۴).

آیات «وَ ابْتَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» (البقرة/۱۸۷)، «كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ» (آل عمران/۱۵۴)، «لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (الأنفال/۶۸)، «كُتِبَ اللَّهُ لِأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي» (المجادلة/۲۱) را محققان وجوه و نظائر برای وجه «قضاء» آورده‌اند. بیشتر مفسران «قضى الله» را تفسیر «کتاب» در آیات فوق ذکر کرده‌اند (سمرقندی، بی تا: ۱۲۵/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۶۶/۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵۵۴/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۰۶/۱۸).

به نظر می‌رسد اختلاف زیادی بین «فرض» و «قضاء» در آیات فوق وجود ندارد؛ اما «فرض» بیشتر برای واجب کردن، به‌ویژه واجبات دینی و شرعی، کاربرد و «قضاء» برای تقدیر و اندازه کردن، استفاده دارد.

- حیری تعبیر «کتاب بعینها» را وجه واژه «کتابه» ذکر کرده (حیری، ۱۴۳۲: ۴۹۱) و آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» (الأعراف/۱۵۷) را برای آن مثال آورده است. مفسران معمولاً «مکتوب» را در این آیه تفسیر نکرده‌اند؛ احتمالاً دلیل آن واضح بودن معناست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۹/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۸۰/۱۵؛ میبدی، ۱۳۷۱: ۷۶۰/۳).

- تعبیر «کتاب سلیمان (ع) و بلقیس» به معنای نوشته و نامه، وجهی است که تنها حیری به آن اشاره دارد و آیات «أَذْهَبَ بَكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّىٰ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْءَ إِنِّي أَلْقَيْتُ إِلَيْكَ كِتَابَ كَرِيمٍ» (النمل/۲۸ و ۲۹) را شاهد مثال آورده است (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۱). مفسران نیز آیه را چنین تفسیر کرده‌اند «أمر سلیمان الیهدد بأن یذهب بکتابه الذی کتبه له» (طوسی، بی تا: ۹۲/۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۵۴/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۰۶/۵).

- حیری، دامغانی و ابن جوزی وجه «کتابه» را برای واژه «کتاب» ذکر کرده‌اند و به این سه آیه اشاره می‌کنند «وَ یُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (البقرة/۱۲۹)، «وَ یُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (آل عمران/۴۸) «وَ إِذْ عَلَّمْتِكَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (المائدة/۱۱۰) (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۱؛ دامغانی، ۱۹۸۳: ۴۰۰؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۲۶).

مفسران تفاسیر متفاوتی از واژه «کتاب» در آیات فوق آورده‌اند؛ اکثر مفسران «کتاب» در آیه صدویست و نه سوره البقرة را «القرآن» تفسیر کرده‌اند (سمرقندی، بی تا: ۹۴/۱؛ طوسی، بی تا: ۶۶۷/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۸۰/۱). این واژه در آیه چهل و هشت سوره آل عمران، «یعلمه الخط بالید» تفسیر شده است (میبدی، ۱۳۷۱: ۱۲۲/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۹۳/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶۰/۲). تفاسیر، «کتاب» در آیه صد و ده سوره المائدة را «کتاب الحقائق و المعارف»، «خط»،

«جنس الکتب»، «کل کتابات الوحی» و... تفسیر کرده‌اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲۰۰/۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۵/۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۲۹۱/۹).

- حیری «کتابه الملائکه فی دیوان الحفظه» را که بسیار شبیه وجه «دیوان الحفظه» است، وجه «کتابه» آورده و آیات «إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا نَمُكِّرُونَ» (یونس/۲۱) و «أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ» (الزخرف/۸۰) را برای این وجه ذکر کرده است (حیری، ۱۴۳۲: ۴۹۱).

اکثر مفسران واژه «یکتبون» در دو آیه فوق را تفسیر نکرده‌اند و احتمالاً دلیل آن واضح بودن معنا برای مخاطب است (طوسی، بی تا: ۳۵۸/۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۳۲/۱۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰۳/۱۳). به نظر می‌رسد، «کتابه الملائکه» یکی از مصادیق «کتابه» است و بهتر است هر دو یک وجه اعلام شوند.

- «کتب کلها» وجه دیگری است که حیری برای واژه «کتاب» به آن اشاره می‌کند و آیات «هِنَّ أُمُّ الْكِتَابِ» (آل عمران/۷) و «وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ» (آل عمران/۱۱۹) را برای آن مثال می‌آورد (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۰). مفسران نیز این وجه را تایید کرده‌اند و «کتاب» در این آیات را چنین تفسیر کرده‌اند «أصل كل كتاب»، «جنس الکتب»، «جميع الکتب السماویة النازلة» و... (سمرقندی، بی تا: ۱۹۴/۱؛ طوسی، بی تا: ۳۹۵/۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۸۱/۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۸۷/۳).

- حیری، دامغانی، تغلیسی و ابن جوزی وجه «اللوح المحفوظ» را ذکر کرده‌اند و به آیات «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (الأنعام/۵۹)، «وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (الرعد/۱۳) و «وَأَنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّ حَكِيمٌ» (الزخرف/۴۳) و «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ» (الحديد/۲۲) اشاره داشتند (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۰؛ دامغانی، ۱۹۸۳: ۴۰۰؛ تغلیسی، ۱۳۷۱: ۲۴۸؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۲۶).

مفسران نیز واژه «کتاب» در آیات فوق را «لوح المحفوظ» تفسیر کرده‌اند (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴۵/۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۱/۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۶۷/۲۹؛ میدی، ۱۳۷۱: ۲۱۱/۵).

- وجه «مکاتبه»^۵ را حیری برای واژه «کتاب» ذکر کرده و آن را چنین توضیح داده است «هی آن یشتیری العبد نفسه من مولاہ» (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۱). «وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ» (النور/۳۳) (حیری، ۱۴۳۲: ۴۸۱). مفسران «کتاب» در این آیه را چنین تفسیر کرده‌اند «المکاتبه» و هی ان يقول الرجل لمملوکه کاتبته علی کذا» (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۰۶/۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۳۳/۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۳/۱۵). به نظر می‌رسد وجه «مکاتبه» به معنای نامه‌نگاری و نوشتن، می‌تواند زیرمجموعه وجه «کتابه» قرار می‌گیرد.

- وجه «وقت» را دامغانی و ابن جوزی برای واژه «کتاب» در دو آیه «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا» (آل عمران/۱۴۵) و «وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيَةٍ إِلَّا وَهِيَ كِتَابٌ

مَعْلُومٌ» (الحجر/۱۵) ذکر کرده‌اند (دامغانی، ۱۹۸۳: ۴۰۱؛ ابن جوزی، ۱۹۸۷: ۵۲۷). مفسران نیز با عباراتی مانند، «أجل مقدر مكتوب في اللوح»، «لكل أمه كتاب معلوم عند الله مكتوب فيه أجلهم» و... با این وجه تفسیری موافق‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۴/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۵۸/۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۸/۱۲). با این تفاسیر، منظور از وقت، زمانی است که در لوح یا کتاب نوشته شود؛ بنابراین این واژه بامعنای اصلی «کتاب» مرتبط است.

۵- نتیجه

معنای اصلی «کتاب» که عبارت «خرز الشيء بسیر» است در قرآن به کار نرفته است. به نظر می‌رسد قرآن کاربرد رایج دیگری به «کتاب» داده و مشتق «کتاب» از این ریشه به فراوانی و با توسعه معنایی در قرآن استعمال شده است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد در ازدیاد وجوه معنایی «کتاب»، افراط و تکلف شده است. همانطور که در قسمت وجوه معنایی و کاربرد قرآنی آمده است، حیری بیشترین وجه را برای واژه «کتاب» ذکر می‌کند.

به‌طور کلی می‌توان برخی وجوه را به یکدیگر برگرداند و چندمعنایی واژه «کتاب» را با تعداد کمتری مطرح کرد. برای نمونه وجه «إنجیل»، «توراه»، «زبور»، «قرآن»، «کتاب کله‌ها»، «صحف» را زیرمجموعه و مصداق «کتاب بعینها» قرار داد. همچنین وجه «قضاء»، «فرض»، «ایجاب فی الوجوب» زیر مجموعه «أمر» باشد. وجه «تبین»، «کتاب سلیمان»، «مکاتبه»، «کتابه الملائکه» زیر مجموعه «کتابه» و نوشتن قرار گیرد و «عده» به «وقت» بازگردد. در این صورت ده وجه کلی برای «کتاب» باقی است که عبارت‌اند از «أعمال بنی آدم»، «أمر»، «جعل»، «حساب»، «حفظ»، «علم»، «کتاب بعینها»، «کتابه»، «لوح المحفوظ» و «وقت». کاربرد تمام این ده وجه از نظر مفسران تایید شده و به معنای اصلی واژه «کتاب» قابل بازگشت است.

منابع

- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، محقق: علی عبدالباری عطیه، انتشارات دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن، نهضة الأعين النواظر فی علم الوجوه والنظائر، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۹۸۷ م.
- ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، انتشارات دار العلم للملايين، بیروت، ۱۹۸۷ م.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، محقق: عبد الحمید هنداوی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام الشافی محمد، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، انتشارات مکتب الأعلام اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، محقق: محمد حسین شمس الدین، دارالکتب

- العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
- ازهری، ابومنصور محمد بن محمد، تهذیب اللغه، محمد عوض مرعب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۲۰۰۱ م.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التاویل، محقق: محمد بن عبدالرحمن المرعشلی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
- پاکتچی، احمد و دیگران، «چندمعنایی ماده «نذر» در قرآن کریم؛ تحلیلی زبان‌شناختی بر همگرایی ریشه ای میان «نذر» و «انذار»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، شماره ۱۳.
- تغلیسی، حبیب بن ابراهیم، وجوه قرآن، تحقیق: مهدی محقق، بنیاد قرآن، ۱۳۶۰ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، محقق: احمد عبدالغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت، چاپ چهارم، ۱۹۹۰ م.
- حسینی، لینا سادات و دیگران، «بررسی چندمعنایی واژه «روح» در ترجمه‌های قرآن کریم»، نشریه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۳.
- حیری نیشابوری، اسماعیل بن احمد، وجوه القرآن، محقق: نجف عرشی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ دوم، ۱۴۳۲ ق.
- دامغانی، حسین بن محمد، الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم أو قاموس القرآن، محقق: عبدالعزیز سید الأهل، چاپ چهارم، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۳ م.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- رأفت سعید، محمد، تاریخ نزول القرآن، دار الوفاء، مصر، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م.
- زمخشری، محمود، الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
- سمرقندی، محمد بن احمد، بحر العلوم، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- شیشه‌چی، زینب و الهه شاه پسند، «نقدی بر تعاریف ارائه‌شده از اصطلاح «وجوه و نظائر»، معرفت، سال بیست و چهارم، مهر ۱۳۹۴ شماره ۲۱۴.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- شریعتی، غلام محمد، «معناشناسی در زمانی واژه کتاب در قرآن»، نشریه قرآن‌شناخت، بهار و تابستان ۱۳۹۰، سال سوم، شماره ۷.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، چاپ دوم، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵ ش.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان، احمد قصیر عاملی، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- عبدالباقی، محمد فواد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، انتشارات ژکان، قم، ۱۳۸۹ ش.
- فخرالدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی، دار و مکتبه الهلال، بی‌تا.
- فیض کاشانی، ملا محسن، الصافی، محقق: حسین اعلمی، چاپ دوم، انتشارات الصدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الأحکام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- لطفی، سید مهدی و میرسعیدی، سمانه، «معناشناسی واژه کتاب در قرآن بر پایه روابط هم‌نشینی»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۸.
- مقاتل بن سلیمان البلخی، الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم، محقق: حاتم صالح الضامن، مرکز جمعۀ الماجد للثقافه و التراث، دبی، ۲۰۰۶ م.

- میبدی، احمد بن ابی اسعد، کشف الأسرار و عده الأبرار، محقق: علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱ ش.
 - هارون بن موسی، الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم، محقق: حاتم صالح الضامن، وزارة الثقافة و الأعلام دائرة الآثار و التراث، بغداد، ۱۹۸۸ م.

(Endnotes)

- (۱) پینه کردن.
- (۲) ماده شتر زمانی که به فرزندی غیر خود محبت می کند.
- (۳) امر نمودن به کاری و فیصله دادن آنچه با سخن و چه با عمل چه الهی چه بشری.
- (۴) مجموعه نوشته ها.
- (۵) مکاتبه، درباره «عبد مکاتب» است که به واسطه آن بنده بر اساس شرایطی آزاد می گردد و در این مورد، قرار فی مابین مکتوب می گردد، سلیمانی، ۱۳۷۳: ۱۷۳.